

دیدار هزاران نفر از قشرهای مختلف مردم - 15 / بهمن / 1382

بسم الله الرحمن الرحيم

به همه‌ی برادران و خواهران عزیز و بخصوص به برادران و خواهرانی که از راههای دور زحمت سفر را تحمل کرده اند و تشریف آورده اند، خوش آمد عرض می‌کنم. همچنین ایام خجسته‌ی دهه‌ی مبارک فجر انقلاب اسلامی و نیز عید سعید غدیر را - که چند روزی بیشتر به این عید بزرگ نمانده است - تبریک عرض می‌کنم. امیدوارم به برکت ایمان و شور و اخلاصی که در شما مردم عزیز نسبت به مقدسات دینی و اولیای عظام دین (علیهم السلام) وجود دارد، همه‌ی شما و همه‌ی ملت ایران مشمول برکات الهی باشید و این اعیاد بر همه‌ی شما و بر همه‌ی ملت ایران مبارک باشد.

امروز بجاست به مناسبت چهلم فاجعه‌ی زلزله‌ی بم، از مردم مصیبت زده و داغدیده‌ی آن شهر یادی بکنیم. اگرچه ملت عزیز ما از آغاز بروز این فاجعه، همدردی و همدلی خود را با مردم مصیبت زده‌ی بم بخوبی اظهار کردند و ایمان و مروت و اخوت اسلامی خود را نشان دادند؛ ولی ابعاد این حادثه‌ی تلخ، فراموش شدنی نیست. مسؤولان دستگاه‌های مختلف دولتی و نهادهای انقلابی که خیلی هم برای جبران خسارات و مصایب مردم بم تلاش کردند، باز هم باید تلاش کنند؛ باز هم باید همدلی و کمک مردم و همراهی همه‌ی دستگاه‌های دولتی در این قضیه به چشم دیده شود تا ملت ایران خاطر جمیع شود که این ضایعه‌ی بزرگ تا حد ممکن ترمیم شد و زخم مصیبتی که بر پیکر ملت ایران وارد آمد، جبران گردید.

چقدر خوب و شایسته است که مردم در هر نقطه‌ی کشور باز هم به فکر برادران و خواهران بمی‌خود باشند؛ کسانی که می‌توانند به آنها کمک کنند. انسان می‌تواند برخی از هزینه‌های زاید را از زندگی خود بزند. حاجاج که این روزها ان شاء الله تدریجاً در حال برگشت هستند و بسلامتی به کشور برمی‌گردند، چقدر خوب است هزینه‌هایی را که معمولاً در برگشت از حج، صرف برخی از دید و بازدیدها و تشریفات می‌کنند، حذف کنند و آن را برای مردم بم خرج کنند و به برادران و خواهران مصیبت دیده‌ی خود کمک نمایند.

البته اینها برای یک ملت و برای مردم یک شهر امتحان الهی است. بلا به معنای امتحان و برای ابتلاء است. این امتحان سخت بر مردم بم و در درجه‌ی بعد بر همه‌ی ملت ایران وارد شد. باید از این ابتلاء و امتحان الهی همه سریلنڈ بیرون بیایند و بدانند آنچه خدای متعال را خشنود می‌کند، این است که ما در کار و رفتار و عملکرد خود بازنگری کنیم و نقص‌ها، ضعف‌ها و خطاهای را از خودمان بزداییم. یک ملت اگر از تجربه‌ها درس بگیرد و راه خود را با صراط مستقیم الهی تطبیق کند، مصدق «رضی الله عنهم و رضوا عنه» خواهد شد.

این ایام، سالگرد انقلاب عظیم اسلامی است و برای ملت ایران و بلکه مسلمانان عالم یک عید است. اسلام توانست این افتخار را به دست آورد که بر سیطره و سلطه‌ی قدرتها چپاولگر و جهانخوار پنجه بیندازد و یک ملت را نجات دهد. دهها سال قدرتها ایستعماری بر ایران سلطه و سیطره داشتند. بلاهایی که دولت استعمارگر انگلیس در طول دهها سال بر سر ملت ایران آورد، فراموش نشدنی است. انقلاب مشروطیت را مصادره کردند، دیکتاتوری سیاه رضاخان را بر این مردم تحمیل کردند، نفت را غارت کردند، کشور را عقب نگه داشتند، ملت را مورد اهانت قرار دادند و ذلیل کردند و حق عمومی یک ملت را در طول دهها سال پامال کردند. بعد هم که قدرت انگلیسی‌ها در سطح بین المللی رو به کاهش رفت، امریکایی‌ها خود را سر این سفره رساندند و تطاول را شروع کردند. دیکتاتوری بیست و پنج ساله‌ی سیاه محمدرضا و همان جنایت‌هایی که انگلیسی‌ها می‌کردند، به وسیله‌ی امریکایی‌ها در ایران صورت گرفت و روزیه روز پنجه‌ی قدرتشان را در این کشور بیشتر فرو می‌کردند. ثروتها را می‌بردند، فرهنگ اسلامی و ملی را نابود می‌کردند و فرهنگ بیگانه پرستی را به جای آن رسوختند. همه چیز این کشور تحت سلطه و در پنجه‌ی آنها بود و رمق این ملت را کشیده بودند. اسلام توانست خون دوباره‌ی به رگهای این ملت بدواند. شعار بیداری اسلامی، این ملت را به حرکت درآورد. رهبری امام بزرگوار راه را به این ملت نشان داد. این ملت - همچنان که قرآن فرموده

است - سرنوشت خود را با اراده و ایستادگی و مجاهدت خود عوض کردند؛ نظام دیکتاتوری را از بین بردن؛ امریکا را از این کشور بیرون کردند؛ سلطه‌ی قدرتها را از این کشور قطع کردند و حق انتخاب کردن و حکومت بر سرنوشت خود را دوباره به دست آوردند؛ در نتیجه ملت ایران زنده شد.

دهه‌ی فجر، یادبود حیات دوباره‌ی ملت ایران و کشور عزیز ماست. مردم این ایام را جشن می‌گیرند و حق دارند جشن بگیرند. و شما عزیزان من! بدانید؛ در دنیا هم هرجا مسلمانان آگاه و بیداری وجود دارند، نسل جوان، زیدگان و نخبگان فرهنگی و سیاسی آنها هم این جشن خودشان محسوب می‌کنند و این بیداری را به نفع خود می‌دانند. دنیای اسلام که زیر سلطه و سیطره‌ی قدرتهای استکباری در خواب بود، بیدار شد. بعضی جاها توانستند خود را نجات دهند؛ در بعضی جاها هم خود بیداری، مقدمه‌ی نجات است.

از این انقلاب از این جهت است که ایران را از سلطه‌ی مستکبر جهانی نجات داد. شما ببینید در دنیا زیاده خواهان و انحصار طلبان بین المللی با ملت‌ها چه می‌کنند. همین‌ها بر این کشور، بر این ملت، بر نفت ما، بر فرهنگ ما، بر دولت ما و بر همه‌ی منابع انسانی و مالی ما مسلط بودند. انقلاب دست اینها را قطع کرد؛ اینها را از این کشور بیرون راند و سلطه‌ی آنها را از سر این ملت کم کرد؛ این، ارزش انقلاب ماست. قدر این انقلاب را بدانیم؛ آن را در مسیر خود حفظ کنیم و کمک کنیم به سمت اهداف والای خود پیش برود. همین اصول و مبانی و پایه‌های است که آینده و سرنوشت و اقتصاد و فرهنگ و دین و دنیای ما را بهبود خواهد بخشید و زخم‌های پیکر ایران عزیز و مظلوم را التیام خواهد داد.

آنچه این روزها در درجه‌ی اول اهمیت است و من باید چند جمله‌ی آن عرض کنم، انتخابات است. انتخابات، مظهر حضور مردم و آزادی ملت ایران در انتخاب سرنوشت خود است. شما وقتی رئیس جمهور را انتخاب می‌کنید، یعنی تمام سرنشته‌های اجرایی کشور را در دست کسی می‌گذارید که منتخب شما و برخاسته‌ی از رأی و اراده‌ی شماست. وقتی نمایندگان مجلس را انتخاب می‌کنید، یعنی قانونگذاری و همچنین ناظرت بر کار اجرایی را به دست کسانی می‌سپرید که شما آنها را شناخته و انتخاب کرده‌اید؛ بنابراین شما هستید که انتخاب می‌کنید. این کار به معنای قدرت مردم در اداره‌ی کشور و در دست داشتن سرنوشت کشور به وسیله‌ی ملت است؛ این چیز کم و کوچکی نیست؛ این برای ما همه چیز است. و من به شما عرض کنم؛ چیزی که در این بیست و پنج سال کشور و ملت ما را در مقابل تهاجم وحشیانه‌ی زیاده خواهان بین المللی حفظ کرد، همین بود که می‌دیدند ملت، صاحب دولت و مجلس و صاحب مسؤولان است. تا امروز پشتونه‌ی حضور ملی بوده که همیشه دولتهای مت加وز و مقتدر جهانی را ترسانده است. این حضور، مثل سنگری برای کشور ما محسوب شده است؛ این چیز خیلی مهمی است. اگر در کشور ما انتخابات و مردم سalarی و حضور مردمی و اراده‌های جوشان شما مردم در وسط صحنه و میدان نمی‌بود، بدانید یک سال هم این انقلاب دوام نمی‌آورد؛ در مقابل یکی از تهاجم‌های سیاسی و محاصره‌های اقتصادی هم دولتها نمی‌توانستند ایستادگی کنند؛ آن سنگر اصلی، شما بودید.

انتخابات مظهر حضور مردم است؛ همچنان که حضور در راهپیمایی بیست و دوم بهمن، یکی از مظاهر حضور مردمی است. دشمن و دستگاه‌های استکباری از انتخابات شما و از راهپیمایی شما در بیست و دوم بهمن می‌ترسند؛ بنابراین از همه‌ی نیروی خود استفاده می‌کنند شاید بتوانند انتخابات و حضور مردم و رأی آزاد و دخالت مردم در سرنوشت خود را از این ملت و از این کشور بگیرند. بیست و پنج سال است که دارند این تلاش را می‌کنند؛ الان هم دارند تلاش می‌کنند.

این روزها می‌بینید و می‌شنوید که در مسأله‌ی انتخابات، مناقشاتی بین دستگاه‌های اجرایی و نظارتی وجود دارد؛ همیشه هم بوده است. بدیهی است که همیشه ممکن است بین دستگاه ناظر و دستگاه مجری سر برخی از مسائل اختلاف پیش بیاید؛ این چیز تازه‌ی نیست؛ اما دشمن‌ها دندان تیز کرده‌اند، خوشحال شدند و قضیه را بزرگ کردند؛ یک عده هم در داخل، فریب آنها خوردند.

اگر کسی تبلیغات جهانی را بشنود - برای ما هر روز مثل یک طومار، تبلیغات جهانی را روی کاغذ می‌نویسند و می‌آورند؛ می‌بینیم که چه می‌گویند و چه می‌کنند - ملاحظه می‌کند که همه‌ی تلاش آنها این است که انتخابات

آینده‌ی ما را - که پانزده روز بیشتر به زمان اجرای آن نیست - تخریب کنند؛ این راهبرد کلی آنهاست. تمام تلاش آنها این است که انتخابات در کشور برگزار نشود؛ یعنی یک دولت مردم سالار، بدون مجلس؛ یک دولت اسلامی، بدون نمایندگان مردم. معنای این تلاش چیست؟ یعنی پشتونه‌ی مردمی را از نظام قطع کنند. همه‌ی همت و تلاش محافل سیاسی خارجی - یعنی کسانی که دشمن ما هستند - و دستگاه‌های اطلاعاتی و تبلیغاتی شان امروز متوجه به این مسأله است. راهبرد کلی آنها این است که انتخابات را تخریب کنند و نگذارند انتخاباتی برگزار شود. آنها از انتخابات بشدت ناراحت و ناراضی اند؛ می‌دانند انتخابات مانع توطئه‌ها و جلوگیر خبائث‌های آنها نسبت به این کشور است؛ لذا می‌خواهند انتخابات برگزار نشود؛ این راهبرد کلی آنهاست.

این روزها وقتی به تبلیغات جهانی نگاه می‌کنید، می‌بینید حیله‌ی فعلی آنها هم در این قالب ارائه می‌شود که انتخابات را به تعویق بیندازیم! آن، استراتژی شان است؛ این هم تاکتیک شان است. مرتب هم مسؤولان کشور و مسؤولان اجرایی را تشویق می‌کنند به این که شما نمی‌توانید انتخابات را راه بیندازید و نباید راه بیندازید. این تبلیغات خارجی، مستقیم و غیرمستقیم، رادیویی و سیاسی و با انواع و اقسام دیگر، همه‌ی متوجه این قضیه است. آنچه وظیفه‌ی دولت و ملت ایران است، این است که در مقابل توطئه‌ی دشمن باشند. انتخابات باید در موعد خود - روز اول اسفند - بدون حتی یک روز تأخیر انجام بگیرد. من متأسفم از این که بعضی افراد از روی غفلت، همان حرشهایی را تکرار می‌کنند که دشمنان این ملت می‌زنند. آنها با تبلیغات و روش‌های سیاسی و حیله‌های خود برخی از مسؤولان اجرایی را به کنار رفتن و اجرا نکردن مسؤولیت قانونی تشویق می‌کنند. مگر اجرا و برگزاری انتخابات حق کسی از مسؤولان است که بگوید من این حق را می‌خواهم یا نمی‌خواهم؟ وظیفه‌ی قانونی دستگاه‌های مشخص دولتی است؛ باید این وظیفه را انجام دهند؛ این حق مردم است. مگر کسی در داخل کشور می‌تواند بگوید چون من این پدیده را نمی‌پسندم، یا فلان روش را نمی‌پسندم، آنچه را که قانون به عنوان وظیفه بر عهده‌ی من قرار داده است، انجام نمی‌دهم؟ مگر می‌شود چنین کاری کرد؟! شانه خالی کردن از مسؤولیت، به صورت کناره گیری و استعفاء و غیر اینها، برای این مسؤولان، هم خلاف قانون است، هم حرام شرعی است. مگر می‌شود با این حق بزرگ مردم بازی کرد؟!

اکثر مسؤولان ما، اکثر نمایندگان مجلس ما، اکثر مسؤولان اجرایی ما، مردمان متدين، علاقه‌مند به انقلاب و آماده‌ی برای خدمت به مردمند. این طور خیال نشود که مجلس چنین است یا چنان است؛ نه، مجلس رکن نظام است. البته در داخل مجلس - مثل همه‌ی جای دیگر - ممکن است عناصری نفوذ و رخنه کرده باشند؛ حقایق را وارونه کنند؛ فضا را بر کسانی سخت و سنگین کنند؛ آنها را وادر به کار ناشایسته و نامناسبی کنند. اغلب نمایندگان برای خدمت به مردم آماده‌اند؛ وظیفه‌ی آنهاست؛ باید هم این کار را بکنند؛ باید هم خدمت کنند. فلسفه‌ی وجود بندۀ و امثال بندۀ و دیگر مسؤولان، خدمت است. ماهما نوکر و خدمتگزار مردم هستیم؛ اعتبار و آبروی ما به این است؛ اسلام این را برای ما معین کرده است؛ ما حقی به گردن مردم نداریم؛ مردم به گردن ما حق دارند. با این روحیه و با این نیت، بیست و پنج سال این انقلاب و این نظام سر پا ایستاده است؛ بیست و پنج سال این ملت مثل کوه در مقابل دشمنان توطئه‌گر و حیله‌گر خود مقاومت کرده است. کسانی که این روحیه را از دست بدھند و یا دیگران را به خروج از این روحیه تشویق کنند، به ملت خیانت کرده‌اند.

همه‌ی مسؤولان - چه در قوه‌ی مقننه، چه در قوه‌ی مجریه، چه در قوه‌ی قضاییه - باید همیشه کمر بسته و آماده به خدمت باشند. مجلس هم باید وظایف بزرگ خود را انجام دهد؛ این، هم وظیفه‌ی شرعی است، هم وظیفه‌ی قانونی است، هم وظیفه‌ی اخلاقی و ملی است. دولت هم باید وظایف خود را انجام دهد؛ قوه‌ی قضاییه هم باید وظیفه‌ی خود را انجام دهد؛ همه باید وظایف خود را انجام دهند.

کشور بحمدالله بعد از آن جنگ طولانی به راه افتاده است؛ کارهای زیاد و بزرگی شده است؛ بتدریج آثار افق‌های زیبا در حال آشکار شدن است؛ ناگهان دشمنان در مرحله‌ی می‌خواهند با سیاست، توطئه و مکاری جلوی این پیشرفت را بگیرند؛ مگر ما اجازه می‌دهیم؟

البته این روزها حرفهای گوناگونی از زبانها و بلندگوهای مختلف در داخل کشور بلند شد که بعضی از آنها بسیار دل



آزار بود. راه صحیح را باید جستجو کرد. واقعاً کسانی که مسؤول و دلسوزند، خیلی زحمت کشیدند و خیلی تلاش کردند؛ من از همه‌ی آنها تشکر می‌کنم. شورای محترم نگهبان خیلی تلاش کرد و خیلی زحمت کشید؛ واقعاً جای قدردانی و سپاسگزاری دارد. رئیس جمهور محترم و رئیس محترم مجلس خیلی تلاش کردند و خیلی زحمت کشیدند؛ از آنها هم تشکر می‌کنم. دستگاه‌هایی که مسؤول هستند، هر کدام به نوبه‌ی خود تلاشهای خوب و شایسته‌ی کردند. البته کسانی هم هستند که زیاده خواه اند و - همان طور که عرض کردیم - با گردن کلفتی می‌خواهند کار خود را پیش ببرند؛ اینها می‌خواهند روی مسؤولان کشور فشار وارد بیاورند. روی این آفایان فشارهای زیادی بود، اما ایستادگی کردند. من از خدای متعال برای آنها توفیق می‌خواهم و از آنها تشکر می‌کنم که در مقابل فشار گروه‌های فشار و زیاده خواه ایستادگی کردند و تسليم نشدند؛ هم رؤسای محترم آن دو قوه و هم شورای محترم نگهبان.

البته همیشه مناقشاتی هست؛ همیشه هم همه‌ی مناقشات راه حلی دارد. هیچ‌گره بی‌نیست که باز شدنی نباشد. این گره‌های ریز و درشت، باز شدنی است. در طول سالهای متتمادی همیشه این انقلاب توانسته است بن بست‌ها را بشکافد و پیش برود. به فضل پروردگار و به حول و قوه‌ی الهی هیچ‌بن بستی در مقابل ما وجود ندارد. از خداوند متعال می‌خواهیم تفضل خود را بر این ملت نازل کند. شما ملت ایران، با ایمان و اخلاص و عزم و اراده و حضور خود، مظهر لطف و فضل الهی هستید؛ خداوند شما را همواره مشمول رحمت و فضل خود قرار دهد. خداوند به مسؤولان دلسوز و خدمتگزار کمک کند؛ همه‌ی ما را هدایت کند؛ قلب مقدس ولی عصر را از ما راضی و خشنود کند و شهدای عزیز ما و امام بزرگوار را با اولیاشان محشور فرماید.
والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته